

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ناهید "غزل" غنی زاده

ویرجینیا - ۸ اگست ۲۰۱۴

من شاعر نیستم

به هذیان دلگدازم گوش ندهید و صدای شکستن شاخه های الفاظم را ناشنیده انگارید، که از عصیان زمانه غفلت و بیخودی لبریز هستم و از سرمایه عقل تهی.

هرگز شاعر خطاب ننمائید!!!

عشق فطرتم هست و حرمت به پایه های سر به فلکش، عادت.

ریشه های دونده این پدیده آتشین در تار و پود وجودم چنان منزل و مأوا گرفته است، که با کین و نفرت هرگز معاوضه نخواهد گشت.

و عشق، این رهبر پُرفن، پیروان کوردانش را چنان در قید طلسم مدهوشی و اسیر آتش و درد ساخته است، که از گداز و سوز و دود، بستر آسمان را روکش ابر میپيچد و صاعقه فریادها.

ابداً راضی نیستم، تا ادعای سرودن سرودی را بنمایم ولی با شرمساری میگویم:

سیل آسا اشک ریخته ام و جنون آسا گلبرگ رازهای پرشور دلم را میان صفحات دفترچه ها جا داده. به منظور این که طرحایم سرمشقی برای اسیران عشق گردد و وفا و پاکدلی در نهادشان مایه ببندد و صبور و استوار راه رفته را دنبال کنند.

من شاعر نیستم!

و اما در مسکن روحم دبیبه عشق هموار است، که معجزه رامش افزای سعادت می آورد.

آه!

بگذارید افکارم در جولانگه عبارتهای ناگفته سرگردان بماند؛

بگذارید به حقیقت پردازیه‌ها موصوف گردم؛

تنه‌ایم بگذارید

از من چکامه شاد هستی نخواهید و مرا به باله‌های پروازگر فراموشی بسپارید؛

مرا در قید امواج خواسته‌هایم رها سازید و از ساحل دلم دور بروید؛

در من شعور نجوئید، از من خنده‌های شاد طلب نکنید؛

که جان و دلم اسیر وحشت دیوانگی‌هاست!!!

(ناهدید "غزل" غنی زاده - ۱۳۵۹)